

شناسایی و تحلیل الزامات کاربردی تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد



پژوهش‌های
سلامت‌اداری
سال اول
شماره ۱
بهار ۱۴۰۴
صفحه ۱۳۱ الی ۱۷۳

چکیده

زمینه و هدف: حضور و مشارکت مردم‌نهاد در سیاست جنایی به دلیل لزوم رعایت مصلحت عمومی اجتماع و مشارکت هرچه بیشتر جامعه مدنی در عرصه‌های مهم اجتماعی مورد توجه است. در ادبیات نظری موجود نیز رویکردهای مشارکتی مرتبط با روندهای پیشگیرانه از جرم اقتصادی مدنظر قرار گرفتند و بر همین اساس سیاست جنایی مشارکتی در حوزه اقتصاد به الزاماتی نیاز دارد که شناخت آن‌ها منجر به حل مسائل و مشکلات اقتصادی خواهد شد. بنابراین هدف این پژوهش شناسایی و تحلیل الزامات کاربردی تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد است.

مهرداد غنی^۱ دانشجوی
دکتری رشته حقوق جزا و
جرم‌شناسی، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران
mehrdadghani.
uniquom@gmail.com

سیدحسین حسینی
دانشیار گروه حقوق جزا
و جرم‌شناسی، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه فردوسی مشهد،
مشهد، ایران
shossieni@um.ac.ir

سید مهدی سیدزاده
ثانی (استادیار
گروه حقوق جزا و
جرم‌شناسی، دانشکده
حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه فردوسی
مشهد، مشهد، ایران)
saidzadeh@um.ac.ir

۱. نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

روش: در این پژوهش از روش آمیخته (کیفی/کمی) یا استراتژی اکتشاف متوالی استفاده شده است. در بخش کیفی از رهیافت گراند تئوری و در بخش کمی برای آزمون مدل از مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده است. جامعه آماری، نخبگان و اساتید حوزه سیاست جنایی هستند که در بخش کیفی ۱۵ نمونه به روش هدفمند و در بخش کمی ۸۰ نفر از نخبگان، اساتید و کارشناسان حوزه سیاست جنایی با استفاده از فرمول به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. تحلیل بخش کیفی به شیوه کدگذاری و تحلیل بخش کمی بر پایه آزمون‌های همبستگی و مدل‌سازی معادله ساختاری بوده است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش نشان داده که در بخش کیفی بایسته‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد در سه مقوله هسته (توان‌افزایی جامعه مدنی، پاسخ دولتی قوی و کنترل و پیشگیری)، ۸ مقوله محوری و ۲۱ کد بازتعریف و مشخص شده است. در بخش کمی نیز کنترل و پیشگیری با ضریب ۰/۵۸، توان‌افزایی جامعه مدنی با ضریب ۰/۳۴ و پاسخ دولتی قوی با ضریب ۰/۳۰ اثر مستقیم و معناداری بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد داشته‌اند. در نتیجه می‌توان گفت در سیاست جنایی ایران حضور سه مؤلفه مهم توان‌افزایی جامعه مدنی، پاسخ دولتی قوی و کنترل و پیشگیری می‌تواند به توسعه سیاست‌ها در این زمینه منجر شود.

واژه‌های کلیدی: سیاست جنایی مشارکتی، جامعه مدنی، پاسخ دولتی، کنترل و پیشگیری، جرایم اقتصادی.

Identifying and Analyzing the Practical Requirements for Implementing Iran's Participatory Criminal Policy in the Economic Sector

Page 131 to 173

Mehrdad Ghani /// (PhD Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran) (mehrdadghani.uniqom@gmail.com)

Sayed Hossain Hossaini /// (Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran) (shossieni@um.ac.ir)

Seyed Mehdi Seyedzadeh-Sani /// (Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran) (saidzadeh@um.ac.ir)

Abstract

Background and Objective: The presence and active participation of civil society in criminal policy is significant due to the necessity of safeguarding the public interest and enhancing civic engagement in key social domains. Accordingly, an effective participatory criminal policy in the economic sector requires specific prerequisites, the identification of which can contribute to resolving economic challenges. Therefore, this research aims to identify and analyze the practical requirements for implementing Iran's participatory criminal policy in the economic sector.

Method: This study employs a mixed-method approach, utilizing a **sequential**

1. Responsible author

exploratory strategy (quasi-quantitative). In the qualitative phase, a **grounded theory approach** was adopted, while in the quantitative phase, **structural equation modeling** was used to test the proposed model. The statistical population consists of **elites and scholars** specializing in criminal policy. In the qualitative phase, 15 participants were selected through **purposive sampling**, while in the quantitative phase, 80 experts were surveyed.

Findings and Results: The findings reveal that in the qualitative phase, the requirements for implementing Iran's participatory criminal policy in the economic sector have been categorized into three **core themes**:

- 1) Empowerment of civil society
- 2) Strong government response
- 3) Control and prevention

Additionally, these core themes are further divided into **eight central categories and 21 open codes**. In the quantitative phase, **control and prevention** (coefficient = 0.58), **empowerment of civil society** (coefficient = 0.34), and **strong government response** (coefficient = 0.30) demonstrated a direct and significant impact on Iran's participatory criminal policy in the economic domain.

As a result, it can be concluded that the presence of these three essential components—empowerment of civil society, strong government response, and control and prevention—plays a crucial role in shaping effective policies within this field.

Keywords: Participatory criminal policy, civil society, government response, control and prevention, economic crimes



مقدمه و بیان مسئله

بدون تردید پیشگیری از فساد مالی و جرایم اقتصادی و مبارزه با آن از محوری‌ترین اولویت‌ها و دغدغه‌های سازمان‌های رسمی بوده و بروز و گسترش آن در جامعه، لطمات جبران‌ناپذیر اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی و... را در پی دارد (درویشی و اسدالهی، ۱۴۰۲: ۱). در ایران آمار بالایی از انواع فسادها و جرایم اقتصادی وجود دارد. براساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی در سال ۲۰۲۲ نظام جمهوری اسلامی ایران از لحاظ فساد مالی، در میان ۱۸۰ کشور، رتبه ۱۴۹ را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۴، جمهوری اسلامی از لحاظ فساد مالی، در رتبه ۱۵۱ام در بین ۱۸۰ کشور جهان قرار دارد و این آمار نسبت به سال قبل در حال بدتر شدن است (مرکز ملی اطلاعات مالی، ۱۴۰۳). در چنین شرایطی تمرکز بر سیاست جنایی در حوزه اقتصاد بسیار مهم و اساسی است؛ چراکه سیاست جنایی مشارکتی در حوزه اقتصاد برای موفقیت و کارایی به پیش شرط‌های مهمی از جمله همکاری جامعه مدنی و دولت و مردم نیاز دارد و در سراسر جهان مدل‌های مختلفی از سیاست جنایی وجود دارند که در هر کدام از

آن‌ها دلایل مشخصی برجسته است. اهمیت سیاست جنایی در هر حوزه‌ای به میزان کارآمدی این سیاست در آن حوزه مشخص مربوط می‌شود. در حوزه‌های اقتصادی، مسائل پیچیده اقتصادی نیاز جدی به وجود سیاست جنایی مشخصی در این زمینه دارد. علاوه بر این مدل‌های سیاست جنایی در حوزه اقتصاد و بحران‌ها و تخلفات اقتصادی نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارند؛ چراکه کشف، تعقیب، محاکمه، مجازات و رد مال مجرمان اقتصادی از طریق این سیاست‌ها میسر می‌شود. البته باید یادآور شد که در این میان نقش جامعه مدنی و فراگیری جامع‌های جامعه است که غالباً پاسخ شایسته به انحراف به‌ویژه انحرافات اقتصادی را مشخص می‌نماید و از این حیث جامعه مدنی می‌تواند در تمامی ارکان سیاست جنایی مؤثر باشد.

بررسی تاریخی تحول سیاست جنایی گویای این واقعیت است که سیاست جنایی از حالت تقنینی به مشارکت تحول‌یافته و از کیفردهی صرف به بهره‌گیری از راهبردهای گوناگون برای پیشگیری از جرایم روی آورده است. لازم به یادآوری است که سیاست‌های جنایی توسعه‌یافته اغلب با مدل‌های متفاوتی تعریف می‌شوند که هر کدام در زمینه‌ها و شرایط گوناگونی رشد و توسعه یافته‌اند. برای پیشگیری از جرایم به‌ویژه کنترل جرایم اقتصادی، توجه به این مدل‌های سیاست جنایی بسیار مهم است. از آنجایی که بررسی نقش جامعه مدنی در سیاست جنایی حوزه اقتصاد مسئله اصلی این پژوهش است، تمرکز بر مدل‌های جامع‌های سیاست جنایی اهمیت می‌یابد. در مدل‌های جامع‌های سیاست جنایی تمرکز بر جامعه مدنی و گروه‌های اجتماعی در اولویت قرار می‌گیرد. مبنای عمل در این مدل‌ها قبل از هر چیز پاسخ نهادی به جرم و بزهکاری است. اندیشه مبنایی این مدل در واقع این است که وقتی گروهی از افراد به یک نوع فعالیت مشغول هستند، مقررات مستقلاً بر آن‌ها حاکم است و در دورنمای مشترکی با هم همکاری دارند و عضو یک گروه قلمداد می‌شوند و این گروه خود را مقید به رعایت مقررات خاصی می‌کند (دل‌ماس-مارتی، ۱۳۹۸: ۲۹۶). بر همین اساس عضویت در گروه به عنوان نوعی بازدارندگی از قواعد جمعی تلقی می‌شود. البته مدل‌هایی مانند مدل‌های دولتی در پیشگیری از جرایم وجود دارند که در بسیاری از موارد هنوز مدل کاربردی محسوب

می‌شوند، اما از نظر بسیاری از اندیشمندان اهمیت مدل‌های جامعوی در حوزه پیشگیری از جرایم بیشتر توصیه می‌شود. علاوه بر این در نظام سیاست جنایی اسلام نیز ترکیبی از مدل‌های دولتی و مدل‌های جامعوی برای پیشگیری از جرایم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بسیاری اذعان دارند که سیاست جنایی کشور در حوزه اقتصاد ناکارآمد است و از شفافیت برخوردار نیست (ملازمیان، ۱۳۸۷: ۱۲) و فضای اقتصادی ایران هم به دلیل ابتلا به آسیب‌های عدیده، نسبت به نظام‌های اقتصادی سایر کشورها، زمینه مساعدتری برای ارتکاب جرم اقتصادی ایجاد می‌کند (دیدا و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۹۷). این درحالی است که از نظر حقوقی جرایم اقتصادی جرایمی هستند که با انگیزه اقتصادی ارتکاب پیدا کرده و دارای ماهیت اقتصادی هستند؛ به عبارت دیگر اعمال و اقدامات مجرمانه‌ای که آثار سوئی بر اقتصاد و نظام اقتصادی کشور می‌گذارند (درویشی و اسدالهی، ۱۴۰۲: ۹). بر همین اساس نیاز است با مداخله نهادی و استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی تحولات اساسی در این حوزه ایجاد کرد. همچنین با وجود آن که بیشترین تمرکز و بررسی جرایم اقتصادی بر عهده نظام قضایی کشورها است، اما تجارب کشورهای موفق نشان داده است که مداخله مثبت جامعه مدنی به عنوان انجمنی سیاسی تنش‌های مختلفی را از طریق تحمیل قوانینی که مانع آسیب رساندن شهروندان به یکدیگر بوده، کنترل می‌کند و هم‌زمان در حوزه اقتصادی نیز می‌تواند کمک جامعه و شهروندان باشد. از آنجایی که در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه یعنی اخلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی هستند که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کنند، بنابراین لزوم مداخله نهادی در آن می‌تواند روند اقدامات پیشگیرانه را شتاب بخشد. بر همین اساس در نظام‌های سیاسی که جامعه مدنی جایگاه مهمی دارد باز بودن شبکه کیفی موجب ورود گروه‌های اجتماعی نظیر سمن‌ها و NGOها شده که ممکن است در پدیده بزه‌انگاری و پاسخ به بزه مداخله نمایند. برای مثال برای اخذ تصمیم در این زمینه که آیا پرونده به دستگاه قضایی ارجاع شود یا خیر (وابستگی نظام کیفی به جامعه مدنی) یا در جریان رسیدگی به منظور اقامه دعوی عمومی و یا نظارت بر رسیدگی وارد عمل شوند، نهادهای جامعوی نقش متغیری دارند

که در حوزه اقتصاد موضوع بحث، بررسی می‌گردد. به‌طور کلی جامعه مدنی و کنشگران غیردولتی در عصر جدید از بازیگران مهم صحنه سیاسی بوده و به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در مدیریت و اداره جامعه نقش مهمی ایفا کرده و همچنین به‌صورت ابزاری مؤثر برای تأثیر گذاشتن بر رفتار و عملکرد دولت به‌ویژه در عقلانی ساختن قدرت دولتی عمل می‌کنند (آقارضایی طرخورانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴). از این رو این پژوهش در صدد است تا با استفاده از قابلیت‌ها و پتانسیل‌های جامعه مدنی، سیاست‌های جنایی در حوزه اقتصاد را مطالعه و بررسی کند و نقش واقعی جامعه مدنی در پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی را تحلیل کند. همچنین با توجه به مجموعه روابط تکمیلی حوزه اقتصاد با سیاست‌های جامعه مدنی می‌توان دریافت که چگونه تعادل قدرت‌های جامعه مدنی در بطن دولت سازمان می‌یابد و درجه باز بودن شبکه کیفری نسبت به جامعه مدنی را برآورد و تحلیل نمود. بر این اساس در این پژوهش بایسته‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد بررسی می‌شود و عواملی که سازنده سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد هستند شناسایی و تحلیل می‌شوند.

چهارچوب نظری پژوهش

جرایم اقتصادی چهارچوبی بسیار فراگیر کلی و دربردارنده گستره‌ای وسیع از جرایم با شیوه‌های ارتکاب مرتکبین آثار و قربانیان متفاوت است که به‌عنوان یکی از شاخص‌ها در رتبه‌بندی اقتصاد ممالک مورد توجه قرار می‌گیرد. بر همین اساس شناخت علل و عوامل و اثرات این نوع از جرایم برای کنترل و مبارزه با آن امری حیاتی است (احمدی بالادهی، ۱۴۰۲: ۸۱). در سیاست جنایی کشورهای شمال اروپا به‌منظور پیشگیری از جرم اقتصادی اقدامات گسترده‌ای انجام شده است. شوراها پیشگیری از جرم اسکاندیناوی سعی کرده‌اند ایدئولوژی مشترک خود را به‌عنوان «مدل نوردیک» بیان کنند. با این حال، پیشگیری از جرم اقتصادی در اسکاندیناوی نه از نظر تئوری و نه از لحاظ روش شناختی پیشینه خاصی ندارد و رویکردی جدید برای پیشگیری از جرم است. ویژگی‌های مشترک این سیاست جنایی به بهترین وجه در زمینه همکاری

طولانی مدت شمال اروپا در جرم شناسی و پیشگیری از آن درک می شود. در این رویکرد کشورهای شمال اروپا می توانند نمونه هایی از پیشگیری موفق از جرم ارائه دهند، تا مورد استفاده سایر اعضا و دیگر کشورهای جهان قرار گیرد. بر همین اساس پیشگیری از جرم اقتصادی نیاز به یک رهیافت مشارکتی برای نتیجه بهتر دارد (تکالا، ۲۰۰۵: ۱۳۲). امروزه نیز با توسعه ارتباطات و مبادلات اقتصادی و جهانی شدن بازارهای مالی، دیگر نمی توان با توجه به شرایط داخلی جرم اقتصادی را تعریف نمود، بلکه پیوندهای اقتصادی بازارهای مالی میان کشورها و بازارهای منطقه ای و بحران های اقتصادی که به صورت فراگیر کل منطقه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار می دهد موجب شده تا سازمان های بین المللی و منطقه ای رفتارهای مخل نظم اقتصادی را تحت عنوان جرایم اقتصادی و فساد مورد بررسی قرار داده و مقرراتی در جهت مبارزه با این گونه جرایم وضع نمایند. از اقدامات سازمان های بین المللی و منطقه ای در جهت سیاست های مقابله با جرایم اقتصادی، یکی کنوانسیون پالرمو است که در سال ۲۰۰۰ میلادی تحت عنوان کنوانسیون مبارزه علیه جرایم سازمان یافته فراملی با هدف مبارزه با جرایم سازمان یافته است که بخشی از این جرایم دارای ماهیت اقتصادی است و در شهر پالرمو در ایتالیا به تصویب ۴۰ دولت رسیده و در سال ۲۰۰۳ نیز لازم الاجرا شده است و دیگری کنوانسیون مریدا است که در سال ۲۰۰۳ میلادی با موضوع و هدف مبارزه با مفاسد اداری و مالی در شهر مریدا در مکزیک به تصویب رسید که برخلاف کنوانسیون پالرمو، به طور مستقیم به برخی از مصادیق جرایم اقتصادی در مواد ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳ و... پرداخته است. به علاوه کنوانسیون های منطقه ای نیز در زمینه جرایم اقتصادی به تصویب رسیده است که از این میان می توان به کنوانسیون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، کنوانسیون حقوق مدنی شورای اروپا مصوب ۱۹۹۹ با موضوع مبارزه با فساد مالی، کنوانسیون مبارزه با فساد مالی کارمندان جوامع اروپایی مصوب ۱۹۹۷، کنوانسیون جرایم سایبر و کنوانسیون اتحادیه آفریقایی برای پیشگیری و مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ اشاره کرد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲: ۱۷۳). بر

همین اساس سیاست جنایی مشارکتی در جرایم اقتصادی مانند سایر جرایم مستلزم حضور و مشارکت مردم و نهادهای جامعه در سیاست جنایی است تا روند پیشگیری از جرایم اقتصادی با موفقیت بیشتری همراه شود. جرایم اقتصادی ضمن دارا بودن مختصات دیگر جرایم، به دلیل داشتن تبعات گسترده، پرنفوذ و ماندگار و عواملی بسیار مهم از جمله ظرفیت بالا برای مشروعیت‌زدایی از نظام سیاسی و به فرسایش کشاندن اعتماد عمومی، در زمره جرایم پرخطر اجتماعی قرار می‌گیرد (سراج، ۱۴۰۰: ۵۶). در همه کشورها بسیاری از مشکلات امنیت عمومی مانند جرایم اقتصادی، قابل پیشگیری هستند. بنابراین تعامل پلیس و نهادهای محلی در بسیاری از شرایط تضمینی برای ایجاد امنیت است. از طرفی هم پلیس به دنبال تقویت مشارکت‌ها بین پلیس و نهادهای مردمی در راستای جرم‌یابی و پیشگیری از جرایم اقتصادی است. در جوامعی که پلیس از پتانسیل‌های مردمی در قالب نهادها و انجمن‌های غیرانتفاعی به خوبی استفاده کند، می‌تواند شاهد موفقیت‌های زیادی در راستای اهداف و وظایف خود باشد. بر همین اساس پلیس ایالات متحده به منظور کمک به روندهای پلیسی خود، اختیارات ویژه‌ای به شهروندان فعال در انجمن‌های محلی داده است (پلنت و اسکات^۱، ۲۰۰۹: ۲۱). بر همین اساس برای پیشگیری از این جرایم لزوم درگیر کردن مردم و نهادهای مردمی یک ضرورت کارکردی است. این جرایم اگرچه بسیار متنوع هستند، اما همگی در یک ویژگی بنیادین که به نوعی، از پیامدهای وقوع آن‌هاست، مشترک هستند و آن، تأثیرات بی‌بدیل این جرایم بر نظام‌های اقتصادی و کارکرد آن‌هاست. در جرایم اقتصادی، نتیجه مجرمانه، یعنی اختلال در نظام اقتصادی کشور و انگیزه کسب منفعت در سطحی گسترده، دو شاخصی است که دشواری‌ها و چالش‌های پیشگیری از این قبیل جرایم را مطرح می‌کند (شمس‌ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۹). دقیقاً به همین دلیل برای پیشگیری از این جرایم لازم است افراد و نهادهای مختلفی با هم همکاری داشته باشند. همچنین به دلیل لزوم رعایت مصالحت عمومی، اجتماع و مشارکت هرچه بیشتر جامعه مدنی در عرصه‌های مهم

اجتماعی مورد توجه است. مردم در بسیاری از عرصه‌های جامعه‌ی، کارآیی بالایی داشته و در صورت فراهم بودن فرصت‌های حمایتی، خواهند توانست پایه‌ی بخش دولتی و حتی بیشتر از آن حرکت نمایند. برآیند این مشارکت در حوزه قضایی می‌تواند کاهش رقم سیاه بزهکاری، جلوگیری از تضییع حقوق افراد آسیب‌پذیر اجتماع، ارتقای کیفیت کاری دستگاه‌های حکومتی و قضایی باشد. البته، مشروط به اینکه در تمامی این حوزه‌ها محدوده مشخص و قانونی برای مداخله و مشارکت این سازمان‌ها تعریف گردد (سیدجوادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱). در واقع نقش و جایگاه مردم و جامعه مدنی در عرصه علوم جنایی و واکنش به پدیده مجرمانه خاصه در قبال جرایم اقتصادی همواره متغیر بوده و در تاریخ عدالت کیفری نیز همین وضعیت را پشت سر گذاشته است (حاجی تبار فیروزجایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱). در روند این تحول می‌توان به نقش سیاست جنایی اسلام اشاره کرد. یکی از انواع سیاست جنایی مشارکتی، سیاست جنایی در اسلام است. دین مبین اسلام در تمام دوران نسبت به بیت‌المال و جرایمی که به نحوی سبب دست‌درازی به اموال مردم بوده با حساسیت خاصی واکنش داده است، و همین سیاست به اشکال مختلف نیز ادامه داشته است و دو نوع سیاست کنشی و واکنشی در قبال جرم اقتصادی وجود داشته که در ذیل به تشریح آن‌ها پرداخته شده است. سیاست کنشی جنایی عمل شامل آن دسته از اقدامات غیرکیفری است که قبل از ارتکاب جرم و انتقال اندیشه به عمل با مداخله در شرایط مجرمانه انجام می‌شود. اساساً در ارتکاب جرم اقتصادی سه گروه احتمال وقوع جرم قابل‌تصور است؛ دسته اول اشخاص حقیقی یا شهروندان هستند؛ گروه دوم اشخاص حقوقی خصوصی، شرکت‌ها و شرکت‌های خصوصی که ارتکاب جرایم اقتصادی توسط آن‌ها گسترده‌تر است و گروه سوم اشخاص حقوقی دولتی و شبه‌دولتی که در اکثر موارد طرفین جرایم گسترده و سازمان‌یافته هستند (حاجی تبار فیروزجایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۱). اساساً از منظر اسلام سیاست جنایی نمی‌تواند تنها به پاسخ‌های کیفری به جرم و در قالب قانون کیفری و آیین دادرسی کیفری محدود شود، بلکه رویکرد بازدارنده و پیشگیرانه نیز در تبیین سیاست جنایی نقش اساسی دارد. علاوه بر این در سیاست

جنایی اسلام به بحث راهبردهای غیرکیفری، مانند راهبردهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، وضعی و موقعیتی اشاره شده است. در بیان سیاست کیفری، اسلام نیز به بیان دامنه انواع جرایم و مجازات‌ها و نحوه جرم‌انگاری، کیفرانگاری، تعدیل سیاست کیفری، اصول حاکم بر سیاست کیفری به‌ویژه تفاوت این سیاست‌ها در واکنش علیه بزهکاری یقه‌سفیدها و یقه‌آبی‌ها پرداخته است و سیاست جنایی اسلام در اعتبار اجتماعی جرم، ضمن در نظر داشتن تحولات اجتماعی و به‌منظور تضمین حرکت انسان‌ها، اعتبارات شرعی را به‌عنوان ملاک و معیار تدابیر سیاست جنایی لحاظ می‌کند (نصیری، ۱۴۰۱: ۳۱). به‌طورکلی برخورد و پیشگیری از جرایم اقتصادی در شرایط مختلف، متفاوت بوده و مسلم است که جلوگیری از مفاسد اقتصادی توسط دولتمردان قدرتمند و بانفوذ که مدعی مبارزه با مفاسد اقتصادی نیز هستند، بسیار دشوار است. برای کنترل بهتر مفاسد اقتصادی، دولت نیاز به مدیریت صحیح محیط فیزیکی و اجتماعی دارد تا فرصت‌های جرم و جنایت را به حداقل برساند. این کنترل بدون مشارکت مردم محقق نخواهد شد و از طریق جلب مشارکت نهادهای مدنی و شهروندان، می‌توان مدیریت صحیح محیط‌های فیزیکی، اجتماعی و جنایی را به‌خوبی کنترل کرد.

پیشینه پژوهش

ساداتی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه» به روش تحلیلی و توصیفی، با رویکرد دینی به تحلیل جرایم اقتصادی پرداخته‌اند و نشان داده‌اند به‌مانند سایر جرایم، جرم اقتصادی نیز باید دارای کیفرهای مشخصی باشد. آقارضایی طرخورانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «جایگاه جامعه مدنی و کنشگران غیردولتی در سیاست‌گذاری عمومی ایران» در روشی کیفی جامعه مدنی را در سیاست‌گذاری قضایی تعیین عنوان کرده‌اند. سراج (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «جرایم اقتصادی سازمان‌یافته و تأثیر آن بر نظام اقتصادی کشور» به روش مروری، جرایم اقتصادی را در قالب پرونده‌های کلان فساد اقتصادی عامل

برهم‌زننده نظام اقتصادی عنوان کرده است و بر لزوم تدوین قوانین بازدارنده تأکید کرده است. حاجی تبار فیروزجایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سیاست جنایی مشارکتی اسلام در قبال جرایم اقتصادی» به روش توصیفی تحلیلی ابعاد و مشخصه‌های سیاست جنایی اسلام را در ارتباط با جرم اقتصادی تحلیل کرده و آن را از الزامات عدالت کیفری عنوان کرده است. دیدا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی» به روش کیفی و تحلیل محتوا نشان داده‌اند که سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی دارای مشکلات متعددی است و عموماً در مقابل جرایم اقتصادی از کارایی لازم برخوردار نیست. درویشی و اسداله‌ی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش پلیس امنیت اقتصادی در پیشگیری از فساد مالی و جرایم اقتصادی» به روش توصیفی و تحلیلی نشان داده‌اند که جرایم اقتصادی اصل نظام سیاسی را هدف خواهد گرفت و برای پیشگیری از آسیب‌های جدی آن و جبران آسیب‌های اقتصادی و حتی اجتماعی و فرهنگی باید سیاست‌های کارآمدی پیگیری شود.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش آمیخته (کیفی/ کمی) یا استراتژی اکتشاف متوالی استفاده می‌شود. در این روش ابتدا با مرحله گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی شروع شده و سپس گردآوری و تحلیل داده‌های کمی انجام می‌شود و در مرحله تفسیر یافته‌ها باهم پیوند می‌خورند. هدف از این استراتژی استفاده از داده‌ها و نتایج کمی برای کمک به تفسیر یافته‌های کیفی است. این استراتژی اغلب زمانی که پژوهشگر ابزاری را ساخته و آن را آزمون می‌کند مورد توجه قرار می‌گیرد. رویکرد دو مرحله‌ای استراتژی اکتشافی متوالی اجرای آن را آسان و توصیف و گزارش آن را سراسر است می‌کند. در این پژوهش ابزار اندازه‌گیری و جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه، مصاحبه، آزمون، جدول و شبکه‌های کامپیوتری هستند و برای گردآوری اطلاعات داشتن اطلاعات کافی و ارزشمند در تمام مراحل تحقیق مورد نیاز است، به عبارت دقیق‌تر هر نوع تحقیق علمی تنها به میزان اطلاعات

جمع‌آوری شده مفید مربوط به موضوع، ارزش دارد. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از انواع مدارک مثل اسناد، گزارش‌های معتبر پژوهشی، مصاحبه و مشاهده استفاده می‌شود. تحلیل داده‌ها در پژوهش‌های ترکیبی در دو بخش تحلیل داده‌های کیفی و تحلیل داده‌های کمی انجام می‌گیرد. در بخش کیفی ابتدا همه مدل‌های سیاست جنایی بررسی و تحلیل می‌شوند و سپس با استفاده از مصاحبه با نخبگان و اساتید حوزه سیاست جنایی یک الگوی بومی برای جایگاه جامعه مدنی در سیاست جنایی در حوزه اقتصاد تدوین می‌شود و در مرحله بعد، الگوی بومی تدوین شده و استنباط‌های تدوین شده بخش کیفی به روش کمی و با استفاده از مدل‌سازی معادله ساختاری با کمک نرم‌افزارهای آماری آزمون و اعتباریابی می‌شوند.

یافته‌های کیفی

تعریف پدیده مرکزی موردبررسی در این پژوهش «سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد» است. این سیاست در گام اول باید تعریف شود و با توجه به تعدد تعاریف آن، لازم است از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز همه ابعاد و جوانب آن بررسی شود. همچنین پدیده مرکزی در مدل‌های پارادایمی مبین مسئله‌ای است که تمام تلاش‌های پژوهشی حول آن انجام شده است. به عبارت دیگر پدیده مرکزی، مسئله اصلی پژوهش است و در این مدل باید سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد را تبیین و تحلیل کرد. اولین گام در این پروسه ارائه مدل، مشخص کردن تمام جوانب و ابعاد پدیده مرکزی است. در همین پژوهش «سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد» به عنوان پدیده مرکزی با چهار شاخصه اصلی شناخته می‌شود. این شاخص‌ها شامل «ناهماهنگی با توسعه اجتماعی»، «عدم هم‌سویی با ارزش‌های اخلاقی و جهانی»، «عدم امنیت اقتصادی» و «تحت تأثیر ایدئولوژی سیاسی» است. در جدول زیر فرایند کدگذاری تحلیل کیفی پدیده مرکزی انجام شده است.

جدول ۱- دسته‌بندی کدهای پدیده مرکزی

منبع	کدهای باز	کد محوری	کدگزینشی	عامل
مصاحبه ۴، ۱۱، علی عرب و همکاران، ۱۴۰۰	توسعه سیستم قضایی بخشی از توسعه جامعه	ناهماهنگی با توسعه اجتماعی		
مصاحبه ۷، ۲، غلامی و همکاران، ۱۳۹۸	سیاست جنایی در بخش اقتصاد ناکارآمد است.			
محمدی و زرگر، ۱۳۹۷	تأثیر منفی بر توسعه			
جمالی اسگویی و همکاران، ۱۳۹۹، مصاحبه ۱،	فساد اقتصادی مانع توسعه بوده			
غلامی و همکاران، ۱۳۹۸، مصاحبه ۱۶، ۱۷	سهم جرایم اقتصادی از کل جرایم بسیار بالاتر است.			
مصاحبه ۶، ۸	جرایم اقتصادی با اصول اخلاقی منافات دارند.	عدم همسویی با ارزش‌های اخلاقی و جهانی	سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد	پدیده مرکزی
مصاحبه ۱، ۳	جرم اقتصادی در تضاد با اخلاق سازمانی			
مصاحبه ۱، ۱۴	سلامت اقتصادی بخشی از اصول اخلاقی کشورهای توسعه یافته			
مصاحبه ۱۰، ۱۳	جرایم اقتصادی باعث فرار سرمایه از کشور هستند	عدم امنیت اقتصادی		
شمس‌ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰	اخلال در نظام اقتصادی			
حطمی و همکاران، ۱۳۹۸	جرایم اقتصادی مستقیماً امنیت کشور را متأثر می‌کنند			
مصاحبه ۱۳	فساد اقتصادی عامل بی اعتمادی			
آشنا و لعل‌خضری، ۱۴۰۲	فساد اقتصادی عامل نااطمینانی در بازار			

منبع	کدهای باز	کد محوری	کدگزینشی	عامل
مصاحبه ۸	عدم سزادهی دولتی مجرمان رده بالا	تحت تأثیر ایدئولوژی سیاسی	سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد	پدیده مرکزی
جمالی اسگویی، ۱۳۹۹	الگوی نظام سیاسی در ایجاد و تداوم فساد			
مصاحبه ۸، ۱۲	اعمال نفوذ نظام سیاسی در پرونده‌های اقتصادی			
مصاحبه ۵	وفاداری به جای تخصص‌گرایی			

اطلاعات جدول فوق براساس اطلاعات موجود در ادبیات نظری، اسناد سیاست‌گذاری، گزارش‌های معتبر پژوهشی و متن مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان و اساتید حوزه سیاست جنایی گردآوری شده است. براساس این اطلاعات تجمیعی، چهار بُعد ناهماهنگی با توسعه اجتماعی، عدم هم‌سویی با ارزش‌های اخلاقی و جهانی، عدم امنیت اقتصادی و تحت‌تأثیر ایدئولوژی سیاسی، تشکیل‌دهنده پدیده مرکزی یعنی سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد هستند. در ایران مانند همه کشورهای دنیا تمایل به تحقق یک سیاست جنایی ملی یکی از برنامه‌های اصلی در توسعه ملی است، همان‌طور که اسناد رسمی دولتی و لوایح نشان می‌دهد، سیاست جنایی کشور مطابق با آرمان‌ها و ارزش‌های برگرفته از خود ملت ایران است. علاوه بر این، سیاست جنایی نیز می‌تواند برای کمک به تحقق اهداف دولت، یعنی تحقق عدالت کیفری مشارکت داشته باشد. سیاست جنایی به عنوان تلاشی عقلانی و منطقی برای پیشگیری و بازدارندگی از جرایم با استفاده از قوانین کیفری و سیستم عدالت کیفری تعریف می‌شود. در حالت ایده‌آل سیاست جنایی باید جنبه‌های جامعه‌شناسی حقوقی را در نظر بگیرد و به آینده برسد. شواهد موجود و تورم پرونده‌های قضایی نشان داده که سیاست جنایی کشور با توسعه اجتماعی و نیازهای جامعه ایران مطابقت ندارد و در حوزه جرایم اقتصادی قوانین موجود پاسخگوی وضعیت کلی جامعه نیست و در حوزه اقتصادی سیاست جنایی کشور با ارزش‌های اخلاقی و جهانی اقتصاد هماهنگ و هم‌سو نیست و در

موارد زیادی این سیاست جنایی به حقوق اقتصادی شهروندان آسیب می‌رساند. سطح بالایی از فساد و جرایم کلان اقتصادی در کشور باعث تضییع حق بسیاری از شهروندان شده است و این سیاست جنایی اقتصادی نمی‌تواند امنیت اقتصادی و نظم عمومی را حفظ و کنترل کند.

همچنین در ایران سیاست جنایی بخشی از قانون سیاسی کل دولت است و اجرای سیاست‌های جنایی در هر حوزه‌ای، بخشی از مأموریت دولت بوده و این سیاست‌ها تحت تأثیر ایدئولوژی سیاسی کشور تمام فرایندهای قضایی کشور را کنترل و مدیریت می‌کند. علاوه بر این، می‌توان توصیف کرد که سیاست جنایی ملی، بخشی از سیاست کلی نظام به عنوان یک کل است که بخشی از یک برنامه گسترده‌تر توسعه اجتماعی است که فرایند قانونگذاری آن به منظور بخشی از تلاش دولت برای تحقق رفاه اجتماعی است؛ اما در عمل این سیاست‌های جنایی نتوانسته‌اند محرکی برای برنامه‌های توسعه‌ای کشور یا توسعه اجتماعی باشند.

بایسته‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد

دلایل زیادی می‌تواند موجب تحقق سیاست جنایی کشور در حوزه اقتصاد باشد، اما کلیاتی وجود دارد که در قوانین و دستورالعمل‌های موجود به آن‌ها اشاره شده است. واقعیت امر نشان داده که با توجه به وضع موجود، تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد در شرایط مختلفی می‌تواند اتفاق بیفتد. آنچه شواهد نظری و اجماع آرای مشارکت‌کنندگان در این پژوهش نشان داده، این شرایط بستری برای بروز پدیده مرکزی هستند و موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کنند که افراد و سازمان‌ها تحت این موقعیت‌ها از خود کنش نشان می‌دهند. این شرایط شامل سه مقوله اصلی توان‌افزایی جامعه مدنی، پاسخ دولتی قوی و کنترل و پیشگیری هستند. فرایند کدگذاری مقولات در جدول زیر انجام شده است.

جدول ۲- دسته‌بندی کدهای شرایط زمینه‌ای

عامل	کدگزینشی	کد محوری	کدهای باز	منبع
	توان افزایی جامعه مدنی	بهره‌گیری از بازیگران محلی	به کارگیری ظرفیت های بومی جامعه	علی عرب و همکاران، ۱۴۰۰، مصاحبه ۱۲، ۱۳
			استفاده از تجارب ذی نفعان محلی	مصاحبه ۱۰، ۱۵
			میدان دادن به سمن های محلی	مصاحبه ۱۰، ۱۶
			حمایت دولتی از نهادهای مردمی	مصاحبه ۳، ۵
بایسته های تحقق سیاست جنایی		ظرفیت افزایی از توان دولت و ملت	بهره‌گیری از رویکردهای مشارکتی	مصاحبه ۱۴، زینالی، ۱۳۸۷
			همگرایی بین نهادهای مدنی	علی عرب و همکاران، ۱۴۰۰، مصاحبه ۱۱
			استفاده از نهادهای پرچم‌دار تغییر	مصاحبه ۵، ۱۲
			میدان دادن به نهادهای تاثیرگذار	مصاحبه ۱۰، ۱۲
پاسخ دولتی قوی		شناسایی این نهادهای ترقی خواه تضمین دادگری دولتی	پیگیری جدی مجرمان از طرف قوه قضائیه	مصاحبه ۶، ۱۱
			آموزش قضات متخصص	جعفری دولت آبادی، ۱۳۹۰
			همکاری ضابطان دادگستری	مصاحبه ۶، جعفری دولت آبادی، ۱۳۹۰
			برتری واکنش کیفری	عسکری و همکاران، ۱۴۰۱
		سرکوب کیفری	سزادهی و مجازات مجرمان	مصاحبه ۱۱، ۱۳

عامل	کدگزینشی	کد محوری	کدهای باز	منبع
	پاسخ دولتی قوی	کیفر جدی مجرمان اقتصادی	برخورد قاطع برای برقراری امنیت	مصاحبه ۶، ۱۳
			کیفرخواست شدید	مصاحبه ۱۱
			شدت عمل و عدم سهل‌انکاری در بررسی پرونده‌ها	حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۴
بایسته‌های تحقق سیاست جنایی	کنترل و پیشگیری	تقدم پیشگیری بر کیفردهی	اعمال کیفرهای سخت‌گیرانه و جدی	لازرژ، ۱۴۰۰، مصاحبه ۱۷
			حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا	محمدنسل، ۱۳۹۳، مصاحبه ۳
			جایگزین کردن راهبردهای پیشگیرانه به جای سزادهی	مصاحبه ۸، لازرژ، ۱۴۰۰
		کنترل ساختارهای جرم‌زا	کنترل محیطی	مصاحبه ۵، رمضان‌خواه‌تبریزی و همکاران، ۱۴۰۳
			کنترل زمینه‌های ذهنی جرایم	مصاحبه ۲، رمضان‌خواه‌تبریزی و همکاران، ۱۴۰۳

همان‌طور که در جدول فوق مشخص است، بایسته‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد در سه مقوله هسته و کلی، ۸ مقوله محوری و ۲۱ کد باز تعریف و مشخص شده است. این بایسته‌ها از منابع علمی مشخصی و تعدادی مصاحبه احصا شده‌اند و در ادامه همه ابعاد این عامل به تفصیل تحلیل شده‌اند.

۱- توان‌افزایی جامعه مدنی

کشور ایران در جهان و در مقایسه با بسیاری از کشورهای منطقه، با جامعه مدنی نسبتاً قوی آن شناخته می‌شود. این کشور دارای نهادهای مدنی فعال و مردم مشارکت‌جویی است که استفاده از این ظرفیت‌ها در هر حوزه‌ای به تغییرات اساسی منجر می‌شود.

در حالی که در این کشور سازمان‌های جامعه مدنی، بخش جدایی‌ناپذیر از توسعه اقتصادی- اجتماعی هستند، همیشه بستر و زمینه گسترش و بهبود وضعیت آن‌ها وجود دارد. در حوزه‌های اقتصادی از گذشته تاکنون نهادهای مدنی کشور تأثیرات زیادی داشته و به همین دلیل و برای تأثیرات بهتر برای بهبود برخی فرایندها بازهم نهادهای مدنی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. بنابراین این گزاره که جامعه مدنی در کشور ایران قوی است، نباید باعث شود که از تقویت و حمایت از آن غافل شد. در بسیاری از موارد، جامعه مدنی نقش توانمندسازی عرصه‌های مختلف را بر عهده داشته است، اما در سیاست جنایی عرصه‌های اقتصادی این توانمندسازی جامعه مدنی است که می‌تواند به کار آید. در حوزه سیاست جنایی کشور نیز ردپای سازمان‌های دولتی زیادی در همکاری و پشتیبانی از سیاست جنایی دیده می‌شود، اما برای رسیدگی به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی پیش‌روی کشور لازم است ساختارها، ظرفیت‌ها و مشارکت جامعه مدنی هرچه بهتر و بیشتر در کشور افزایش یابد.

به‌رغم این توصیه‌ها و رویکردها، نگاهی به قوانین و مقررات موجود و ازجمله قانون پیشگیری از جرم نشان می‌دهد که در سیاست جنایی ایران مشخصاً الگوی مشارکتی‌سازی پیشگیری از جرم و نظام عدالت در قلمرو منطق و تصمیم‌مقنن قرار نگرفته و اساساً جز در برخی موارد محدود حتی به امکان ایفای نقش بخش‌های مردمی و مدنی جامعه در امر مقابله با جرایم هم اشاره خاصی صورت نگرفته است. در ایران قانون مدونی برای پیشگیری مشارکتی شده از جرم وجود نداشته و نهادهای موجود هم به‌سادگی پذیرای بسط این گفتمان نیست (علی‌عرب و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۸). بر همین اساس لزوم تقویت مشارکت و توان‌افزایی جامعه مدنی در سیاست جنایی بیش از هر زمان دیگر لازم و ضروری است.

توان‌افزایی جامعه مدنی برای سیاست‌های جنایی در حوزه اقتصاد در شرایط مختلفی رخ می‌دهد. ابتدا با مشاوره و افزایش ظرفیت‌های جامعه مدنی می‌توان دامنه فعالیت این نهادهای مدنی را گسترش داد و آن‌ها را به مشاوره‌دهی در بسیاری از عرصه‌ها تشویق کرد. علاوه بر این جامعه مدنی با بهره‌گیری از بازیگران محلی مشارکت در امور

عمومی، در بسیاری از پروژه‌های عمومی مؤثر واقع می‌شوند. علاوه بر این جامعه مدنی می‌تواند نقش آموزش‌دهنده به عامه مردم در برخی مسائل حیاتی جامعه باشد. مثلاً در زمینه حفاظت از منابع طبیعی به عنوان حفظ ثروت آیندگان، جامعه مدنی می‌تواند همه شهروندان را برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی آماده کند و از آن‌ها کنشگران فعالی برای حفاظت از نظام اجتماعی بسازد.

مشارکت دادن بازیگران محلی در پیشگیری از جرم و نظام عدالت در کشور ایران در ابعاد متعدد در حال شکل‌گیری است. دولت می‌تواند با تقویت و کنترل آن در قالب یک برنامه ملی آن را تکامل بخشیده و ابعاد نوینی به آن بیفزاید. گام اول در سیاست جنایی مشارکتی این است که بتواند زمینه‌ساز مشارکت مردم در کاهش جرایم اجتماعی باشد. این مهم با ظرفیت‌افزایی از توان دولت و ملت رخ خواهد داد. به عبارت دیگر ظرفیت‌های مشارکت‌جویانه هم در بخش دولتی به مثابه حامی مشارکت و هم در بین ملت به عنوان ذی‌نفعان مشارکت می‌تواند در کنترل جرایم اقتصادی مفید باشد. برخی از محققان نیز بهره‌گیری از رویکرد مشارکتی برای مقابله با جرایم اجتماعی را به دلیل رویه اجتماع‌محور و مردمی آن مورد توجه قرار می‌دهند؛ زیرا از نظر آنان، یکی از اهداف اصلی کیفرهای اجتماع‌محور هم‌چنان که از نام آن پیداست اجرای کیفر در بستر جامعه است. این امر بر دو عنصر اعتماد و مشارکت اجتماعی مبتنی است (زینالی، ۱۳۸۷: ۳۵). در زمینه جرایم اقتصادی به دلیل حساسیت بالای این جرایم برای تحقق مشارکت در سیاست جنایی به اعتماد شهروندان نیاز است.

از دیگر مصادیق توان‌افزایی به نهادهای ترقی‌خواه جامعه مربوط می‌شود. شناسایی این نهادهای ترقی‌خواه و درگیرکردن آن‌ها در مسائل مهم گام مهمی در توان‌افزایی نهادهای مدنی است. نهادهای ترقی‌خواه در جوامع زیادی وجود دارند و اثرگذاری آن‌ها در عرصه‌های مختلف غیرقابل انکار است. در واقع توان جامعه مدنی کشور در وضعیت فعلی، هرچند در مقایسه با بسیاری از کشورها در جایگاه مطلوبی قرار دارد، اما در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته از لحاظ سیاست جنایی و همچنین انتظارات جامعه از آن برای رفع چالش‌های سیاست جنایی در حوزه اقتصاد، کافی نیست. به

همین دلیل تأکید بر توان‌افزایی جامعه مدنی برای بهبود سیاست‌های جنایی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. اضافه بر این باوجود نهادهای مدنی در کشور، وجود این نهادها به تنهایی برای توسعه سیاست جنایی مشارکتی کافی نیست، بلکه برای کارایی بهتر این نهادها، لازم است هم‌گرایی بین نهادهای مدنی در بالاترین سطح خود انجام شود. بر همین اساس امروزه بیش از هر زمانی از بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مردمی و نهادهای وابسته به بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی سخن به میان می‌آید که قادرند در راستای پیشگیری از جرم که هدف اصلی سیاست جنایی است، به مدد نهادهای رسمی آمده و بر توانمندی‌های نظام حقوق کیفری حاکم بر اجتماع بیافزایند (علی عرب و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۳). به‌طورکلی نهادهای ترقی‌خواه در کشورهای دموکراتیک در انجام اصلاحات اساسی کشور پیشرو بوده‌اند و در ایران نیز این نهادها می‌توانند پرچم‌دار تغییر در حوزه سیاست جنایی کشور باشند. از طریق برنامه توان‌افزایی جامعه مدنی، دولت متعهد به ظرفیت‌سازی، آموزش، مشارکت دادن شهروندان و ظرفیت‌افزایی از توان دولت و ملت برای دستیابی راهبردهای پیشگیرانه از جرم اقتصادی توسط مجرمان اقتصادی می‌شود.

۲- پاسخ دولتی قوی

در پاسخ دولتی به جرم و بزه که ماهیت سیاست جنایی تقنینی و قضایی بوده است، پلیس و قوه قضائیه در برخورد و پاسخ‌دهی به مجرمان نقش اصلی دارند. علاوه بر این نقش پلیس در حفظ نظم و قانون در هر جامعه دموکراتیک بسیار مهم است و پلیس نزدیک‌ترین عامل اجرای قانون و حفاظت از مردم است. همچنین پلیس در هر جامعه دموکراتیک جایگاهی حیاتی دارد و رابطه آن با مردم بر نحوه درک و حمایت مردم از آن‌ها تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این پلیس نقش‌های بسیاری از جمله؛ اجرای قانون، دستگیری و تحقیق از مجرمان مشکوک گرفته تا ایجاد صلح و حفظ نظم در جامعه را بر عهده دارد. هرچند توسعه سیاست جنایی از حالت مضیق آن به موسع با کاهش پاسخ دولتی و افزایش مشارکت جامعه‌ی همراه بوده است، اما امروزه باوجود گسترش و تغییر

سطح جرایم، بازهم نمی‌توان پاسخ دولتی به برخی جرایم و انحرافات نادیده گرفت. به عبارت دیگر در سیاست جنایی کشور تدابیری پیش‌بینی شده که هم واجد وصف کیفری و هم غیرکیفری هستند. با این وجود نمی‌توان سیاست جنایی را بدون این دو رهیافت در نظر گرفت.

همان‌طور که عنوان شد، دامنه گسترش جرایم اقتصادی در کشور به اندازه‌ای است که بخش‌های مهمی از نظام اداری، اقتصادی، قضایی و سیاسی کشور درگیر جرایم اقتصاد و فساد مالی شده است. از این رو نمی‌توان پاسخ کیفری دولتی را نادیده گرفت. اگر مجرمان اقتصادی به این نتیجه برسند که جرم اقتصادی آن‌ها با پاسخ جدی همراه نیست، در زمینه ارتکاب به جرایم اقتصادی گستاخ‌تر شده و همه منابع کشور را به تاراج خواهند برد.

به‌طور کلی پاسخ دولتی قوی به جرایم اقتصادی را می‌توان در «تضمین دادگری دولتی»، «سرکوب کیفری» و «کیفر جدی مجرمان اقتصادی» دید. در نخستین قدم باید دادرسی و محاکمه مجرمان اقتصادی به صورت تضمینی از طرف قوه قضائیه پیگیری و دنبال شود.

در حوزه قضایی، افزون بر اطاله دادرسی که معضل اصلی نظام دادرسی ایران در برخورد با همه جرایم، به‌ویژه جرایم اقتصادی بوده است، مشکلاتی همچون اثبات جرم اقتصادی به دلیل عدم پذیرش اماره مجرمیت، یعنی معضل اثبات رکن معنوی، بر مشکلات برخورد متناسب با این جرایم افزوده شده است. مشکل دیگر در برخورد و رسیدگی به اتهام بزه‌کاران جرایم اقتصادی، چالش‌های تعقیب مجرمان پرنفوذ از مرحله اعلام شکایت، با واکنش جدی برخی مسئولان که خود را وام‌دار این‌گونه متهمان می‌دانند با توصیه‌ها، ارباب قاضی یا مأموران تعقیب یا تهدید شاکی شروع می‌شود. در مراحل تعقیب و احضار، بازداشت، تحصیل ادله و محاکمه، این چالش‌ها و دشواری‌ها ادامه دارد. چالش‌های دیگری مانند تعدد مراجع قضایی صالح به رسیدگی به اتهامات اقتصادی و در نتیجه ایجاد اختلاف در صلاحیت آن‌ها، همکاری نکردن برخی ضابطان دادگستری در امر تحقیقات و نیز دخالت ضابطان متعدد، ایجاد برخی موانع در روند

رسیدگی به اتهام مسئولان در مراجع قضایی، عدم دخالت مؤثر مدیران و مسئولان قضایی در تعقیب برخی متهمان و مصونیت نمایندگان و برخی مسئولان از تعقیب قضایی باعث عدم تضمین دادگری دولتی در قوه قضائیه شده است. از دیگر مصادیق عدم تضمین دادگری دولتی در قوه قضائیه عدم پرورش و آموزش قضات متخصص در حوزه جرایم اقتصادی است (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۱). بر همین اساس نقش پررنگ دادرسی قوی از طرف دولت و حاکمیت، به نتایج مطلوبی برای سیاست جنایی کشور منجر خواهد شد.

در گام بعدی سرکوب کیفری جرایم معمول‌ترین ابزار سیاست جنایی برای حفاظت از امنیت جامعه بوده است. هرچند سرکوب کیفری از ابتدایی‌ترین واکنش دولت‌ها به جرایم بوده، اما با گذشته سال‌ها ناکارایی سرکوب کیفری، سیاست قضایی و استفاده از سایر روال دادرسی در مقابله با جرایم، هنوز هم در برخی موارد از جمله جرایم اقتصادی، سرکوب کیفری کماکان یکی از ضروری‌ترین پاسخ‌های دولتی به جرایم است. با این حال وقتی دیدگاه واکنشی و کیفری سیاست جنایی غالب گشته و اصل و روش‌های اتخاذی در رویه آن هدف شود، سنخ سیاست جنایی به سمت سرکوب و ارعاب پیش رفته و به عبارتی تدابیر کیفری و سزاگرایی نسبت به رویکردهای اجتماع‌محور هژمونی می‌یابد (عسکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۶۴). در جرایم اقتصادی عدم استفاده از رویکردهای سرکوبی اعتماد عمومی به نظام قضایی را مخدوش کرده و شهروندان نسبت به جرایم جامعه از خود احساس مسئولیت نشان نمی‌دهند. بر همین اساس لزوم به‌کارگیری روندهای کیفری برای جرایم اقتصادی همیشه مورد توجه قانونگذاران بوده و مجازات جرایم اقتصادی از طرف حاکمیت‌ها بر مجرمان اقتصادی اعمال می‌شده است (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۳). اتخاذ سیاست کیفری علیه جرایم اقتصادی به دلیل اهمیت پیامدهای این جرایم برای جامعه و اخلال در نظام اقتصادی، نباید به دلایل دیگر مورد بی‌توجهی قرار گیرد. هرچند اخلال در نظام اقتصادی کشور جرمی است که سال‌ها مورد توجه سیستم کیفری قرار گرفته، اما شتاب‌زدگی قانون‌گذار در تصویب مواد این قانون سبب شده

است که یک سیاست کیفری منسجم و قاطع در این خصوص دنبال نشود. اساساً از منظر حاکمان و ذی منصبان اهمیت جرم اخلاص اقتصادی به قدری است که چنانچه امنیت اقتصادی شهروندان دچار خدشه شود، احتمال آشوب و درگیری در سایر حوزه‌ها فراهم خواهد شد؛ لذا آرامش و ثبات اقتصادی به عنوان مهم‌ترین و مبنایی‌ترین مؤلفه امنیت باید مورد توجه قرار گیرد (عسکری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۳۷۲). بنابراین در عصر توسعه سیاست جنایی مشارکتی هم اتکا بر سیاست‌های کیفری در حوزه‌های اقتصادی ضرورتی انکارناپذیر است.

آخرین گام مهم در این حوزه، کیفر جدی مجرمان اقتصادی است. در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی، جرایم اقتصادی در سطح کلان، یعنی اخلاص در نظام اقتصادی کشور را افساد فی الارض در نظر گرفته و برای مرتکب آن مجازات اعدام تعیین شده است. اما در عمل پرونده‌های متعدد فسادهای اقتصادی کلان با بازخوردهای قابل قبولی از طرف نظام قضایی همراه نبوده است و مفسدان دانه درشت زیادی در کشور، با یا بدون محاکمه دقیق، کیفرخواست شدیدی متوجه آنان نشده است. در سال‌های اخیر، مبارزه با فساد و جرایم اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی و به‌ویژه فضای سیاسی حاکم بر کشور از مباحث مهم و حتی مطالبات اساسی مردم تلقی شده و رؤسای سه قوه و مسئولان عالی را متوجه خود نموده است. در این شرایط چه بسا هدف پاسخگویی به افکار عمومی، شیوه‌های مهار فساد اقتصادی را تحت الشعاع قرار داده و بستر مناسبی برای اتخاذ سیاست‌های عوام‌گرا و مقطعی فراهم نماید.

بدون شک تجارب دادرسی جرایم اقتصادی در کشور نشان داده که مجرمان اقتصادی آن‌گونه که افکار عمومی انتظار دارد، محاکمه نمی‌شوند و رسیدگی به اتهام آن‌ها بسیار طولانی مدت و در مواردی غیرشفاف خواهد بود. از این رو افکار عمومی، دادرسی‌های فوری و عجله‌ای را صرفاً در پاسخ به افکار عمومی نوعی عوام‌گرایی کیفری عنوان می‌کنند. به عبارت دیگر عوام‌گرایی کیفری هنگامی ظهور می‌کند که نظام عدالت کیفری برای پاسخگویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرایم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید

کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند، متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فرار افکار عمومی و رسانه‌های گروهی عموماً به نشان دادن شدت عمل بیشتری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند (حسینی و اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۰۴). بنابراین برای کارآمدی یک سیاست جنایی مشارکتی مبتنی بر جامعه مدنی برای پاسخگویی به جرایم اقتصادی، لازم است مجرمان اقتصادی در سریع‌ترین زمان ممکن با قوی‌ترین پاسخ‌ها از طرف نظام قضایی مواجه شوند و بدون هیچ اغماضی پرونده‌ها بررسی و احکام بسیار سختی متوجه این مجرمان شود، تا میزان بازدارندگی و پیشگیری از جرایم اقتصادی در نظام اداری کشور محقق شود. بدون شک بدون اعمال کیفرهای سخت‌گیرانه و جدی نمی‌توان در آینده شاهد کاهش جرم اقتصادی و فسادهای ناشی از آن بود.

۳- کنترل و پیشگیری

رویکرد سنتی به حقوق کیفری این بوده است که جرم عملی است که از نظر اخلاقی نادرست است. هدف از مجازات کیفری این بود که مجرم را در قبال ضرر وارده قصاص کند و گناه اخلاقی او را جبران کند. قرار بود به تناسب جرم، متهم مجازات شود. در دوران مدرن، دیدگاه‌های عقل‌گرایانه و عمل‌گرایانه‌تر غالب بوده است. محققان و حقوق‌دانان عصر روشنگری هدف اصلی حقوق کیفری را پیشگیری از جرم می‌دانستند. با توسعه علوم اجتماعی، مفاهیم جدیدی مانند حمایت از مردم و اصلاح مجرم مطرح شد. چنین هدفی را می‌توان در قانون کیفری آلمان در سال ۱۹۹۸ مشاهده کرد، که به دادگاه‌ها توصیه کرد که «اثراتی که انتظار می‌رود مجازات بر زندگی آینده مرتکب در جامعه بگذارد، باید در نظر گرفته شود». در ایالات متحده، یک قانون جزایی نمونه که توسط مؤسسه حقوقی آمریکا در سال ۱۹۶۲ پیشنهاد

شد، بیان می‌کند که هدف قانون کیفری باید «اعلام هشدار منصفانه به ماهیت رفتاری که به عنوان جرم اعلام شده» و «ترویج اصلاح و بازپروری از متخلفان» باشد. از آن زمان، علاقه مجددی به مفهوم پیشگیری عمومی، از جمله بازدارندگی مجرمان احتمالی و تثبیت و تقویت هنجارهای اجتماعی، افزایش یافته است (جشک و نورتن^۱، ۲۰۲۴: ۱). بر همین اساس پیشگیری را می‌توان یکی از راهبردهای اساسی در حوزه کنترل اجتماعی برشمرد که دربردارنده مجموعه راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم باهدف ایجاد امکانات و موقعیت‌های بازدارنده از وقوع جرم و کجروی طراحی و تدوین می‌شود. اهمیت و کارآمدی پیشگیری، همواره توجه صاحب‌نظران نظام‌های جزایی و حوزه سیاست جنایی را به خود جلب کرده است. تجربه‌های درازمدت نظام‌های کیفری و همچنین یافته‌های تجربی چند دهه اخیر نشان می‌دهد که در صورت اجرای صحیح، پیشگیری راه حلی به مراتب کارآمدتر و مؤثرتر از راهبردهای پسینی مقابله است (علی‌وردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۴۰). در پژوهش‌های زیادی اهمیت پیشگیری در جرایم مورد تأکید قرار گرفته و در جرایم اقتصادی اهمیت آن دوچندان عنوان شده است. جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های جوامع در جهان کنونی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه هستند که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهند. گسترش جرایم اقتصادی مانع دستیابی دولت به اهداف ملی در حوزه امنیت اقتصادی شده و جریان عمومی امور را به مخاطره می‌اندازند. جرایم اقتصادی و فساد در ایران به یکی از معضلات بسیار بزرگ کشور تبدیل شده و اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. چالش‌هایی از قبیل ارتباط ضعیف بین نهادهای مسئول پیشگیری و کنترل جرایم اقتصادی باعث افزایش روزافزون جرایم اقتصادی در ایران شده‌اند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۵: ۵۳).

باوجود پرونده‌های فساد اقتصادی کلان در کشور که هرچند وقت یک‌بار رکورد تازه‌ای در جرایم اقتصادی ثبت می‌شود، لازم است راهبردهای کنترل و پیشگیری از این جرایم بیش از پیش مورد توجه قرار گیرند. بسیاری از راهبردهای تقنینی و قضایی

در زمینه پیشگیری از جرایم اقتصادی به نتایج مطلوبی نرسیده‌اند و به نظر لازم است در سیاست جنایی مشارکتی از طریق راهبردهای «تقدم پیشگیری بر کیفردهی» و «کنترل ساختارهای جرم‌زا» به الگوی مطلوب سیاست جنایی مشارکتی در حوزه اقتصاد دست یافت.

استفاده از راهبرد «تقدم پیشگیری بر کیفردهی» سال‌ها در سیاست جنایی کشورها مورد توجه قرار گرفته و کشورهای زیادی حتی پیشگیری را بر کیفردهی ترجیح داده‌اند. این راهبرد به عنوان یک تجربه موفق توسط جرم‌شناسان زیادی توصیه و سفارش شده است. در ایران استفاده از این راهبرد پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد و با توجه به متون دینی معتبر اسلامی در آیات و روایات همواره به پیشگیری سفارش شده است.

براساس تعاریف، پیشگیری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که دولت برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد (محمدنسل، ۱۳۹۳: ۲۷). علاوه بر این پیشگیری فقط شامل اقدامات دولتی برای پیشگیری از جرم نیست و نهادها و جامعه مدنی می‌توانند در پیشگیری از جرایم به‌ویژه جرایم اقتصادی نقش داشته باشند. بنابراین در سیاست جنایی که در آن پیشگیری مقدم بر کیفردهی است، جامعه به نتایج مطلوبی دست خواهد یافت. برخی راهبردهای پیشگیرانه عموماً به حذف موقعیت‌ها و فرصت‌های ارتکاب جرم مربوط می‌شوند که نوعی کنترل محیطی نیز محسوب می‌شوند. علاوه بر این پیشگیری اجتماعی و حتی پیشگیری رشد‌مدار هرکدام به نحو شایسته‌ای در کاهش جرایم اقتصادی تأثیر دارند و لازم است همه ابعاد و جوانب پیشگیری برای جرم‌شناس و سیاست‌گذار مورد توجه باشد. به عنوان یک اتفاق نظر علمی بین جرم‌شناسان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان باید یادآور شد که تدابیر پیشگیرانه بهتر و اثرگذارتر از مجازات مجرم مانع بزهکاری می‌شود و باید در پیشگیری از جرم در قدم اول به دنبال شناخت و شناسایی علت‌های جرم بود تا در قدم دوم بتوان چرخه جرایم را متوقف و در روند پیشگیری تحول ایجاد کرد. به‌طور کلی

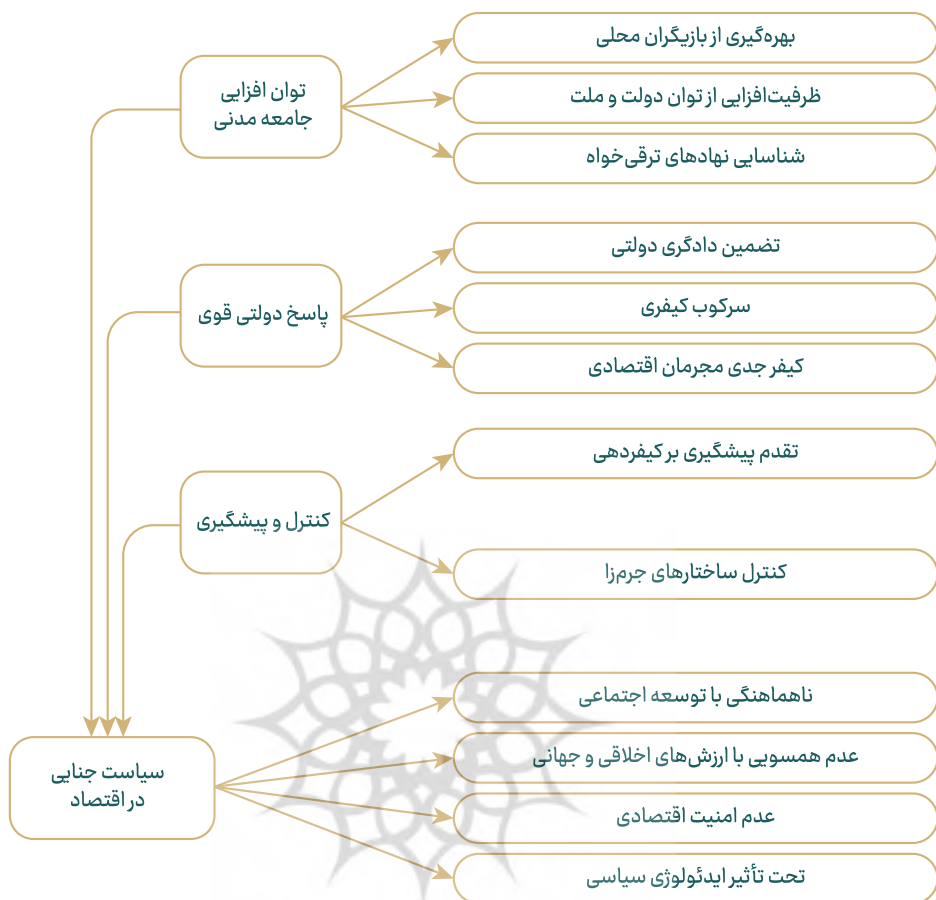
در مواجهه با جرایم اقتصادی، پیشگیری مستلزم مداخله در محیط اقتصادی است و باید تلاش شود انگیزه‌ها و فرصت‌ها و ابزارهای جرم را در این محیط از بین برود تا نیاز به پیشگیری کیفی به حداقل برسد.

در زمینه «کنترل ساختارهای جرم‌زا» نیز که نوع دیگری از پیشگیری به‌ویژه پیشگیری محیطی است، جرم‌شناسان با کنترل شرایط وقوع جرم می‌توانند از بروز برخی رفتارهای مجرمانه پیشگیری کنند. در زمینه جرایم اقتصادی، کنترل مقررات و رویه‌های اداری جرم‌زا گام اول در پیشگیری از جرایم اقتصادی است. در همین راستا برای مقابله با مقررات و رویه‌های اداری جرم‌زا، می‌توان به نظریه‌های متعددی متوسل شد. آنچه در این بین بیش از بقیه مورد توجه است، جرم‌شناسی اداری است که دارای جهت‌گیری اصلاحی و کنترلی است. بر مبنای جرم‌شناسی اداری، مقررات و رویه‌های اداری باید مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته و در صورت نیاز اصلاح شوند و در گام بعدی برخی مقررات ناکارآمد و رویه‌های اداری جرم‌زا باید کنترل شوند. از آنجایی که مقررات و رویه‌های اداری جرم‌زا در بیشتر موارد منجر به ورود خسارت مالی و اقتصادی به دولت و بیت‌المال می‌گردند، در رویکردهای دینی نیز پیشگیری و کنترل این رویه‌ها به شدت توصیه شده‌اند. برای مثال یکی از مهم‌ترین رویه‌های نارس حاکم بر نظام اداری ایران، کارچاق‌کنی است؛ که متأسفانه این رویه توسط عرف و جامعه تا حدی هم مورد پذیرش قرار گرفته است (ضیایی، ۱۳۹۵: ۵۶). رویه نادرست و معمول کارچاق‌کنی در ادارات ایران، عامل مهم جرم‌زایی است که باید با آن برخورد شود. علاوه بر این مقرراتی که اجازه چندشغله بودن را به برخی از اشخاص می‌دهد، خود به خود فسادآور است و براساس قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل که از جمله قوانین پیشگیرانه بوده و در راستای اصل ۱۴۱ قانون اساسی به تصویب رسیده (حسینی، ۱۳۹۴: ۸۰)، در بسیاری از شرکت‌های بزرگ دولتی اعمال شود.

با توجه به اقتصاد دولتی فعلی در ایران، ساختار مالکیت در کشور متمرکز است، بنابراین ضروری است با در نظر گرفتن سازوکارهای لازم، از منافع اقلیت در مقابل سرمایه‌داران عمده و گاه مستعد فساد مالی حمایت شود. در این رابطه موضوع تدوین

مقررات مبارزه با جرایم اقتصادی از یک سو و اجرای مناسب آن قوانین و مقررات از سوی دیگر می‌تواند موجب پیشگیری از وقوع این جرایم و نیز جبران حداکثری خسارات ناشی از آن‌ها باشد (آیت، ۱۳۹۸: ۲۷۲).

از دیگر مصادیق «کنترل ساختارهای جرم‌زا» می‌توان به قوی نبودن فرهنگ سازمانی و دلبستگی نداشتن کارکنان و مدیران به سازمان و مسائل و مشکلات اقتصادی کارکنان و بی‌توجهی به وضع زندگی آن‌ها اشاره کرد. بدون شک توجه به این مسائل مستقیماً باعث کنترل شرایط بروز جرایم اقتصادی است. از طرفی هم اعطای اختیارات بیش از اندازه و قدرت زیاد و سوءاستفاده از آن به یک فرد در سازمان‌های مالی و غیرمالی بستر جرم‌خیزی را فراهم می‌آورد که با کنترل مسئولیت‌ها می‌تواند برخی جرایم اقتصادی احتمالی را نیز کنترل کرد. علاوه بر کنترل محیط، می‌توان از کنترل زمینه‌های ذهنی جرایم نیز صحبت کرد. یکی از عوامل مؤثر در ارتکاب جرم اقتصادی، وجود انگیزه‌ها و هدف‌هایی است که در ذهن و فکر مجرم اقتصادی وجود دارد (رمضان‌خواه‌تبریزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰۱). این متغیرهای ذهنی در افراد به واسطه جایگاه و نقشی که فرد در آن قرار دارد امکان ارتکاب جرم اقتصادی را مهیا خواهد کرد. این در وضعیتی است که در جامعه اصولاً ارتکاب جرم اقتصادی اعم از اختلاس و تبانی نوعی زرنگی و فرصت‌طلبی قلمداد می‌شود. بنابراین با شناسایی شرایط و فرصت‌های ارتکاب جرم اقتصادی و کاهش آنان می‌توان مانع از ارتکاب جرایم اقتصادی شد (کریم‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۷۷). از طرفی عدم ترس و واهمه از دستگیری، محکومیت و تعیین مجازات و اعمال آن، نارسایی نظام دادرسی، متعهد نبودن جامعه به حقوق اقتصادی و اجتماعی خود از دیگر عواملی است که در کنار نوع ساختار اداری و سیاسی کشور باعث ارتکاب بیشتر جرم اقتصادی می‌شود (رمضان‌خواه‌تبریزی و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۰۱). به‌طورکلی کنترل ساختارهای جرم‌زا هم از طریق کنترل محیطی و هم کنترل متغیرهای ذهنی می‌تواند برای سیاست‌جنایی در حوزه اقتصاد و پیشگیری از جرایم اقتصادی مفید باشد. همه این یافته‌ها را می‌توان در یک مدلی برای تبیین بهتر به تصویر کشید.



یافته‌های استنباطی

به منظور شناسایی تأثیر عوامل مؤثر بر سیاست جنایی مشارکتی در حوزه اقتصاد می‌توان با تبدیل مؤلفه‌های اکتشافی به دست‌آمده به متغیر و شاخص‌سازی آن‌ها به سنجش و اندازه‌گیری این متغیرها پرداخت. برای این منظور در گام اول رابطه بین سه مؤلفه اصلی توان افزایشی جامعه مدنی، پاسخ دولتی قوی و کنترل و پیشگیری به عنوان بایسته‌ها و متغیرهای اثرگذار بر تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت روابط کلی در یک مدل معادله ساختاری آزمون شده است.

۱- استنباط اول

مؤلفه توان‌افزایی جامعه مدنی بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد تأثیر دارد.

جدول ۱- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین توان‌افزایی جامعه مدنی و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/491^{**}$	$N= 80$	$sig=0/000$

با توجه به اعداد به دست آمده، یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/491^{**}$) می‌توان این نتیجه را گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین توان‌افزایی جامعه مدنی و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد وجود دارد؛ یعنی هرچه نقش مؤلفه توان‌افزایی جامعه مدنی بیشتر باشد، اثر زیادی بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد دارد.

۲- استنباط دوم

مؤلفه پاسخ دولتی قوی بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد تأثیر دارد.

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین پاسخ دولتی قوی و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/722^{**}$	$N= 80$	$sig=0/000$

با توجه به اعداد به دست آمده، یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/722^{**}$) می‌توان این نتیجه را گرفت که رابطه مستقیم و معنی‌داری بین پاسخ دولتی قوی و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد وجود دارد؛ یعنی هرچه نقش مؤلفه پاسخ دولتی قوی بیشتر باشد، اثر زیادی بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد دارد.

۳- استنباط سوم

مؤلفه کنترل و پیشگیری بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد تأثیر دارد.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین کنترل و پیشگیری و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد

ضریب همبستگی	جامعه آماری	برآورد
$r=0/608^{**}$	$N=80$	$sig=0/000$

با توجه به اعداد به دست آمده، یعنی سطح معناداری کمتر از ۵ درصد ($sig=0/000$) و ضریب همبستگی پیرسون مثبت ($r=0/608^{**}$) می توان این نتیجه را گرفت که رابطه مستقیم و معنی داری بین کنترل و پیشگیری و سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد وجود دارد؛ یعنی هرچقدر نقش مؤلفه کنترل و پیشگیری بیشتر باشد، اثر زیادی بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد دارد.

مدل کلی پژوهش

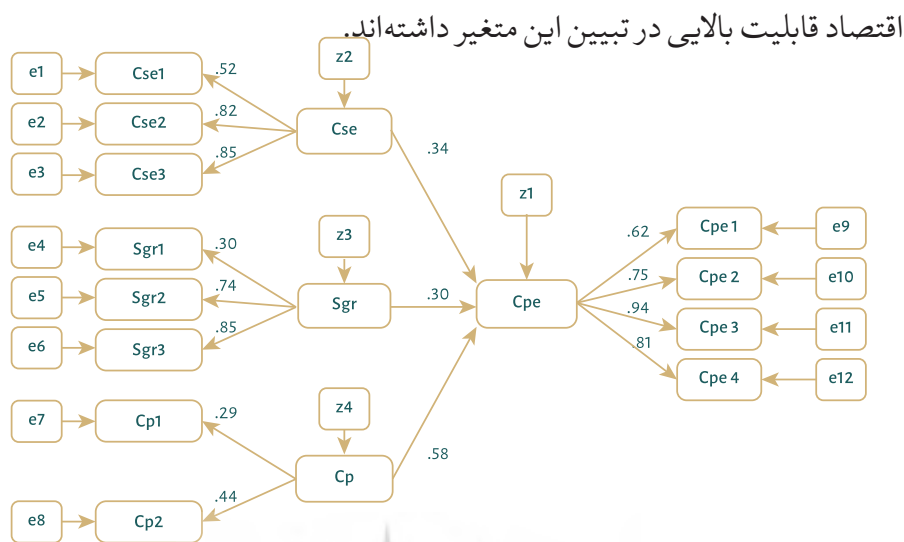
در راستای آزمون و اعتباریابی مدل کیفی محقق به کمک مدل سازی معادله ساختاری اقدام به آزمون مدل کرده است. در این مدل ۱۲ متغیر مشاهده شده وجود دارد که این متغیرها از تجمیع تعداد زیادی گویه حاصل شده اند. برخی از متغیرهای مشاهده شده شامل متغیرهای مستقل اصلی پژوهش هستند که در مدل پارادایمی بخش کیفی پژوهش مشخص شده و برای تبیین اثر متغیرهای مستقل بر تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد (Cpe) به کار رفته اند. در جدول زیر ساختار اصلی مدل با شاخص ها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل مشخص شده است.

جدول ۴- متغیرها و نمادهای ترسیمی موجود در مدل

نماد ترسیمی	شاخص‌های فرعی	شاخص‌های اصلی	ساختار مدل
Cse1	بهره‌گیری از بازیگران محلی	توان‌افزایی جامعه مدنی (Cse)	متغیر مستقل
Cse2	ظرفیت افزایشی از توان دولت و ملت		
Cse3	شناسایی نهادهای ترقی‌خواه		
Sgr1	تضمین دادگری دولتی	پاسخ دولتی قوی (Sgr)	
Sgr2	سرکوب کیفری		
Sgr3	کیفر جدی مجرمان اقتصادی		
Cp1	تقدم پیشگیری بر کیفردهی	کنترل و پیشگیری (Cp)	متغیر وابسته
Cp2	کنترل ساختارهای جرم‌زا		
Cpe1	ناهماهنگی با توسعه اجتماعی	سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد (Cpe)	
Cpe2	عدم همسویی با ارزش‌های اخلاقی و جهانی		
Cpe3	عدم امنیت اقتصادی		
Cpe4	تحت تأثیر ایدئولوژی سیاسی		

این متغیرهای آشکار شاخص‌های اصلی از متغیرهای مستقل و وابسته هستند که در متغیرهایی چون توان‌افزایی جامعه مدنی (Cse)، پاسخ دولتی قوی (Sgr)، و کنترل و پیشگیری (Cp) در قالب سه شاخص اصلی برای تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد (Cpe) تعریف و جانمایی شده‌اند.

در بیان شاخص‌های سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد چهار شاخص اصلی وجود دارند که (Cpe3) به معنی «عدم امنیت اقتصادی» با ضریب ۰/۹۴ دارای بیشترین وزن در تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد بوده است و بر همین اساس (Cpe1) به معنی «ناهماهنگی با توسعه اجتماعی» با ضریب ۰/۶۲ دارای وزن کمتری در تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد بوده است. در بحث سایر متغیرها نیز همه ضرایب اثر معناداری در تبیین متغیرهای پژوهش نشان داده‌اند. در کل، همه چهار گویه، تبیین‌کننده سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه



نمودار ۱- مدل معادله ساختاری برای تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد (Cpe)

با توجه به خروجی مدل در بحث روابط ساختاری نتایج حاصل از مدل‌سازی نشان داده است که اثر همه متغیرهای مستقل بر تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد معنادار بوده است. در همین ارتباط می‌توان گفت کنترل و پیشگیری (Cp) با دو متغیر (تقدم پیشگیری بر کیفردهی و کنترل ساختارهای جرم‌زا) بر تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد (Cpe) با ضریب ۵۸٪ اثر مستقیم و معناداری دارد و بعد از آن توان افزایش جامعه مدنی (Cse) با سه متغیر (بهره‌گیری از بازیگران محلی، ظرفیت افزایشی از توان دولت و ملت، شناسایی نهادهای ترقی‌خواه) با ضریب ۳۴٪ نیز اثر مستقیم و معناداری بر سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد داشته است. همچنین اثر پاسخ دولتی قوی (Sgr) با سه متغیر (تضمین دادگری دولتی، سرکوب کیفری و کیفر جدی مجرمان اقتصادی) بر تبیین سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد با ضریب ۳۰٪ اثر مستقیم و معناداری دارد. در کل مثبت بودن تمام بارهای عاملی مدل‌گویای مستقیم و معناداری بودن روابط موجود در مدل است.

جدول ۵- برآورد وزن‌های رگرسیونی روابط ساختاری موجود در مدل با نرم افزار Amos

			Estimate	S.E.	C.R.	P	Label
Cpe	<---	Cse	.356	.083	4.274	***	
Cpe	<---	Sgr	.670				
Cpe	<---	Cp	.920	.478	1.928	.044	
Cse1	<---	Cse	1.831	.247	7.423	***	
Cse2	<---	Cse	1.654	.221	7.484	***	
Cse3	<---	Cse	1.000				
Cpe1	<---	Cpe	1.000				
Cpe2	<---	Cpe	1.227	.125	9.807	***	
Cpe3	<---	Cpe	1.732	.155	11.173	***	
Cpe4	<---	Cpe	1.747	.168	10.370	***	
Sgr1	<---	Sgr	3.141	.635	4.949	***	
Sgr2	<---	Sgr	2.296	.425	5.404	***	
Sgr3	<---	Sgr	1.000				
Cp1	<---	Cp	1.538	.630	2.443	.015	
Cp2	<---	Cp	1.000				

به منظور بررسی تفاوت معنادار اثر متغیر آشکار بر پنهان، به وزن‌های رگرسیونی مراجعه می‌شود. مقدار (C.R) مقداری است که با نسبت بحرانی خوانده می‌شود. این مقدار که از محاسبه نسبت مقدار برآورد شده غیراستاندارد برای پارامتر (Estimate) به خطای معیار (S.E) محاسبه شده برای همان پارامتر حاصل می‌شود، نشان می‌دهد که در صورت رد فرضیه صفری که مقدار این پارامتر را برابر صفر قرار می‌دهد، تا چه حد احتمال خطا وجود دارد. مقادیر سه ستاره (***) در قسمت (P) به معنای تأیید فرضیه با مقدار صفر است. در جدول فوق قضاوت کردن به وجود تفاوت معنادار بین ضریب محاسبه شده و صفر به صفر درجه خطا منجر می‌شود. با توجه به اینکه تا ۵ درصد میزان خطا قابل قبول است، بنابراین نتیجه نهایی این است که پارامتر محاسبه شده در تمامی

موارد دارای تفاوت معنادار با صفر است. در کل این اظهارات برای نمونه‌های بزرگ‌تر جامعه آماری مناسب است.

بحث و نتیجه‌گیری

سیاست جنایی از دیرباز موضوع پژوهش بسیاری از محققان و جرم‌شناسان بوده است و نظریه‌پردازان بزرگی از گذشته تاکنون در این حوزه قلم‌فرسایی کرده‌اند و یافته‌های بسیاری مهمی به جامعه علمی حوزه حقوق عرضه کرده‌اند. دانش علمی تولیدشده در سیاست جنایی به‌طور چشمگیری روندهای دادرسی و نیل به عدالت را تغییر داده‌اند و شکی نیست بازهم این حوزه به‌واسطه انجام پژوهش‌های بهتری در آینده، متحول خواهد شد. اهمیت ذاتی برخی پدیده‌ها به کارکرد آن‌ها در جامعه برمی‌گردد. سیاست جنایی در حوزه اقتصاد می‌تواند همه افراد جامعه را درگیر خود کند و پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌تواند مهم‌ترین کارکرد سیاست جنایی کشور باشد. بر همین اساس با توجه به اهداف سیاست جنایی و با توجه به جامعه مدنی به عنوان یکی از ارکان اصلی ساختار سیاست جنایی و لزوم توجه به کارکرد آن در حوزه اقتصاد می‌توان از انجام این پژوهش و بررسی و نتایج آن برای افزایش اثربخشی سیاست‌های جنایی حوزه اقتصاد و تأثیر جامعه مدنی بر آن استفاده کرد.

در ایران اهمیت بررسی علمی این موضوع به این خاطر است که کشور در زمینه جرایم به‌ویژه از نوع اقتصادی با حجم بالایی از پرونده‌های قضایی مواجه است و گستره دامنه فساد اقتصادی به‌اندازه‌ای است که برخی از اقتصاددانان از واژه‌های دیگری مانند تاراج و چپاول به جای فساد اقتصادی استفاده می‌کنند. بر همین اساس لزوم انجام پژوهش کیفی برای تبیین بهتر این وضعیت، خدمتی ارزنده به جامعه علمی است. با توجه به بررسی تجربی و نظری پژوهش‌های موجود در حوزه سیاست جنایی، رویکردهای نظری زیادی در ارتباط با نظام حقوقی وجود دارند که هرکدام به ابعاد گوناگونی از مسئله اشاره داشته یا از زوایای مختلفی فرایندهای نظام دادرسی را بررسی و تحلیل کرده‌اند. اما آنچه مورد دغدغه اکثر صاحب‌نظران جرم‌شناسی و نخبگان این عرصه بوده این نکته است

که بایسته‌های تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد کدام‌اند؟ همین مسئله باعث شده تا محقق با رویکرد پژوهشی متفاوتی برای اکتشاف این نظام سیستمی تلاش کند. از این رو، اقدام برای تدوین یک الگوی سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد که از شرایط زمینه‌ای متأثر باشد، بهانه‌ای شد تا محقق با روش تحقیق ترکیبی یا آمیخته اقدام به تدوین و اعتباریابی الگویی کند که پیش از این در چنین جامعه‌ای انجام نشده بود.

یافته‌های این پژوهش نشان داده که ایده جامعه و نهادهای مدنی هم کمک‌کننده سیاست‌گذاری‌ها و هم باعث عدالت قضایی هستند، و بدون شک آن‌ها بخش جدایی‌ناپذیر مدل سیاست جنایی کشور هستند. همچنین نقش جامعه مدنی موازی با نقش مردم و چه بسا پررنگ‌تر از آن‌ها شاکله اصلی سیاست جنایی کشور است. در چنین شرایطی توان‌افزایی جامعه مدنی به عنوان مهم‌ترین بستر سیاست جنایی شناخته شده است. در چنین بستری با استفاده از بازیگران محلی، ظرفیت دولت و ملت و شناسایی نهادهای ترقی‌خواه جامعه مدنی می‌توان سیاست جنایی را معرفی و عرضه کرد. در چنین وضعیتی از طریق جامعه مدنی، سیاست جنایی کشور می‌تواند از قابلیت‌های بومی جامعه، تجارب ذی‌نفعان محلی و انجمن‌های مردمی و همگرایی بین نهادهای مدنی زمینه‌های پیشگیری از جرم اقتصادی در کشور را تقویت بخشد. همچنین در راستای همکاری یکپارچه نهادی می‌توان نهادهای موجود را برای دستیابی به سیاست جنایی مطلوب در خدمت گرفت. در پاسخ جامعه‌ی به جرم و بزهکاری نقش پررنگ حاکمیت جامعه مدنی را نمی‌توان نادیده گرفت. به طور کلی هرچند تحلیل‌های موجود در زمینه سیاست جنایی بر تلاش‌های مستمر برای بهبود سیاست‌گذاری‌ها در این زمینه اشاره دارند، اما شواهد آماری که نتیجه واکاوی علمی این موضوع در ارتباط با تأیید علمی گزاره‌هایی برای شناسایی و تحلیل الزامات کاربردی تحقق سیاست جنایی مشارکتی ایران در حوزه اقتصاد است، نشان داده‌اند سیاست جنایی در اقتصاد مهم‌تر از هر چیزی به کنترل و پیشگیری نیاز دارد. این یافته با یافته‌های شمس ناتری و توسلی‌زاده (۱۳۹۰)، آقارضایی‌طرخورانی و همکاران (۱۳۹۸) و احمدی‌بالادهی (۱۴۰۲) سازگار بوده،

بنابراین در گام اول بر پایه یافته‌های کمی و آماری، سیاست‌های جنایی در ایران در حوزه جرایم اقتصادی باید بر کنترل بیشتری تأکید کنند. علاوه بر این جامعه مدنی نیز در این زمینه نقش بی‌بدیلی دارد. همان‌طور که بررسی‌های نظری نشان داده که در طول زمان جامعه مدنی به عنوان سوپاپ اطمینان برای موفقیت سیاست‌های جنایی در حوزه اقتصاد عمل کرده، در این بررسی هم شواهد میدانی بر تأیید این گزاره صحه گذاشته‌اند و این نتایج هم با نتایج ملازمیان (۱۳۸۷)، میرسعیدی و زمانی (۱۳۹۲) و نصیری (۱۴۰۱) هم‌سو و هم‌جهت هستند. در نهایت نباید پاسخ دولتی قوی به منزله کیفرخواست را نادیده گرفت. شواهد مروری و میدانی نیز اشاره‌هایی به این مسئله دارند و از همین جهت این نتایج با یافته‌های درویشی و اسدالهی (۱۴۰۲)، ساداتی و همکاران (۱۳۹۶) و سراج (۱۴۰۰) هم‌سو و هم‌جهت است. بنابراین هم به اذعان پژوهش‌های معتبر زیادی که در این تحلیل بررسی شدند و هم از نظر مشارکت‌کنندگان در پژوهش، همکاری‌های مدنی برای پیشگیری از جرم، مداخله جامعه مدنی در سیاست جنایی، پیشگیری و پاسخ‌دهی، مجازات و بازپذیرسازی و واگذاری امور به سطوح محلی و سازمان‌های غیردولتی از راهبردهای مهم جامعه مدنی در سیاست جنایی مشارکتی کشور هستند.

پیشنهاده‌ها

در سطح ملی، پیشنهاد می‌شود، علاوه بر قوای سه‌گانه، فعالان سیاسی، مؤسسه‌های مالی و اعتباری بین‌المللی و شرکت‌های چندملیتی هرکدام در مبارزه با جرایم اقتصادی و گزارش‌دهی فساد نقش‌آفرینی کنند. بنابراین همه واجدین نقش و فعالان عرصه حکمرانی غیر از دولت (در معنای عام)، گروه‌هایی خواهند بود که به عنوان بخشی از جامعه مدنی در این راستا فعالیت داشته باشند؛ چراکه جامعه مدنی دقیقاً در مقابل شبکه‌های مافیایی فساد قرار دارد و بر جرایم اقتصادی تأثیر دارد و لازم است این رویه در ایران مورد پیگیری قرار گیرد.

همچنین نظر به اینکه در ارزیابی شاخص ادراک فساد از سوی سازمان شفافیت بین‌المللی رتبه کشور در سال‌های اخیر در جایگاه نامناسبی بین کشورهای جهان قرار

گرفته، لازم است با بررسی دقیق علمی و منطقی و ضمن تعامل با نهادهای بین‌المللی ذی‌ربط مواردی را که باعث کاهش این رتبه شده احصاء و با اتخاذ سیاست جنایی مناسب از طرف قانون‌گذار موجبات بهبود وجهه کشور فراهم شود. با توجه به این اصل که پیشگیری بهتر از درمان است، ضرورت دارد در سیاست جنایی تقنینی علاوه بر جرم‌انگاری جرایم جدید، تدابیر پیشگیرانه وضعی و اجتماعی متناسب با راهبردهای مندرج در کنوانسیون مریدا به همراه ضمانت اجرای مناسب غیرکیفری نظیر پاسخ‌های مدنی و اداری مقرر شود تا بتوان علل و ریشه‌های فساد را در جامعه از بین برد.



منابع

- آقارضایی طرخورانی، نادیا؛ محسنی، علی؛ الهی منش، محمدحسن. (۱۳۹۸). جایگاه جامعه مدنی و کنشگران غیردولتی در سیاست‌گذاری عمومی ایران (۱۳۹۲-۱۳۸۴)، سیاست‌پژوهی ایرانی، صص ۷۵-۹۴
- احمدی بالادهی، سیدمهدی. (۱۴۰۲). تحلیلی بر جرایم اقتصادی در ایران و راهکارهای پیشگیری از آن. پژوهشنامه امنیت اقتصادی، صص ۷۹-۹۲
- حاجی تبار فیروزجایی، حسن؛ اصغری، روزبه؛ شاکری، ابوالحسن. (۱۴۰۰). سیاست جنایی مشارکتی اسلام در قبال جرایم اقتصادی. فصلنامه علمی مطالعات فقه اقتصادی، صص ۱-۱۷
- درویشی، صیاد؛ اسدالهی، بهروز. (۱۴۰۲). بررسی نقش پلیس امنیت اقتصادی در پیشگیری از فساد مالی و جرایم اقتصادی. پژوهشنامه امنیت اقتصادی، صص ۱-۲۳
- دلماس - مارتی، می‌ری. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان

- دیدا، مهدی؛ ابوالحسنی، سلامه؛ فرهود، نغمه. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی سیاست جنایی ایران در جرایم اقتصادی، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، صص: ۷۹۷-۸۱۱
- ساداتی، سیدمحمد مهدی؛ مهدوی، محمود؛ حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). مبانی جرم‌انگاری جرایم اقتصادی در فقه امامیه. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، صص، ۱۱۱-۱۳۴
- سراج، ناصر. (۱۴۰۰). جرایم اقتصادی سازمان یافته و تأثیر آن بر نظام اقتصادی کشور (مطالعه موردی: پرونده فساد بانکی سه هزار میلیارد تومانی). فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، صص، ۵۵-۸۲
- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ توسلی‌زاده، توران. (۱۳۹۰). «پیشگیری وضعی از جرایم اقتصادی»، مطالعات حقوق خصوصی، صص ۱۹۹-۲۱۷
- مرکز ملی اطلاعات مالی. (۱۴۰۳). گزارش وضعیت ادراک فساد در ایران به روایت آمار بنیاد هریتیج، <https://fiu.gov.ir/ed478er>
- ملازمیان، مسعود. (۱۳۸۷). سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، تهران: انتشارات جاودانه
- میرسعیدی، سید منصور؛ زمانی، محمود. (۱۳۹۲). جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، صص؛ ۱۶۷-۱۹۹
- نصیری، مصطفی. (۱۴۰۱). مفهوم «جرم» در سیاست جنایی اسلام ذیل نظریه اعتباریات علامه طباطبایی. فلسفه حقوق، ۱ (شماره ۲ - پاییز و زمستان)، صص. ۳۱-۵۰
- Takala, H. (2005). Nordic cooperation in criminal policy and crime prevention. Journal of Scandinavian Studies in Criminology and Crime Prevention, 5(2), 131-147
- Plant, J.B; Scott, M.S. (2009). Effective Policing and Crime Prevention A Problem-Oriented Guide for Mayors, City Managers, and

County Executives, Library of Readings on Problem-Oriented Policing, Arizona State University press





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی